



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### موضوع: عظمت صلاة در قران و روایات

دیروز بعد از درس یکی از عزیزان مطالبی را درباره حقیقت شرعی بیان کرد، اگر شارع مقدس یک معنا و ماهیتی را خودش اختراع کرده باشد و سابقه ای نداشته باشد و بعد یک لفظی را به وضع تعیینی برای آن وضع کرده باشد این می شود حقیقت شرعی و اما حقیقت لغویه آن است که اهل لغت یک لفظی را به معنایی اختصاص بدهند، حالا بحث در این است که صلاة و زکاة و صوم و حج و امثال اینها لغتاً معنای دیگری دارند ولی مثلاً صلاة شرعاً یک عمل خاصی است که دارای اجزاء و شرائی مرتبط با هم می باشد که اوله التکبیر و آخره التسلیم و به این شکل اینکه ماهیت نماز بوجود آمده و این را شارع مقدس وضع کرده.

آخوند خراسانی رحمة الله علیه در اول کفایه در بحث الفاظ در امر نهم متعرض همین مسئله شده که آیا مراد از این الفاظ معنای لغوی آنهاست یا حقیقت شرعی و معانی شرعی آنها مراد می باشد؟ ایشان در ادامه فرموده می دانیم که شارع اینها را اختراع نکرده بلکه قبل از اسلام نیز وجود داشتند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾<sup>۱</sup> یا ﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾<sup>۲</sup> بنابراین این اعمال قبلاً وجود داشته و شارع مقدس اینها را اختراع

<sup>۱</sup> سوره بقره، آیه ۱۸۳.

<sup>۲</sup> سوره مریم، آیه ۳۱.

نکرده و مرحوم آخوند این اشکال وارد می کند و می فرماید حقیقت شرعی نداریم منتهی مطلب به این سادگی نیست لذا در حواشی کفایه نیز مطالب بسیاری در این رابطه نوشته شده من جمله حاشیه محمد بن المصنف که به پدرش اشکال کرده و درست هم هست ایشان فرموده درست است که این حقائق و معانی قبل از اسلام نیز بوده ولی بحث ما بحث لفظی است به این بیان که چه کسی این الفاظ را برای این ماهیت قرار داده؟ خب معلوم است که پیغمبر اینها را وضع کرده که این می شود همان حقائق شرعی، بله ماهیت ها قبلاً وجود داشته و اسلام مقداری آنها را تغییر داده و کم و زیاد کرده، بنابراین ما در الفاظ بحث می کنیم و قرار دادن این الفاظ برای این معانی توسط پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله حقیقت شرعی می باشد.

خب و اما از فردا إن شاء الله بر مبنا و ترتیب عروه بحث صلاة را شروع می کنیم، در این چند روز مقدماتی را در مورد عظمت و جلالت و فضیلت صلاة در قران و روایات عرض کردیم.

دو نمونه از نهج البلاغه در مورد عظمت و اهمیت و فضیلت نماز عرض می کنیم:

اول نامه ای که حضرت برای محمد بن ابی بکر نوشت، بعد از شهادت مالک اشتر حضرت محمد را به طرف مصر فرستاد، نامه مذکور نامه ۲۷ از نامه های نهج البلاغه می باشد، حضرت اینطور فرموده: ﴿إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - حِينَ قَلَدَهُ مِصْرَ:

فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ، وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ، وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ، وَآسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظْرَةِ، حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ، وَلَا يَبْئَسَ الصُّعْفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسَائِلُكُمْ مَعَشَرَ عِبَادِهِ

شرح ابن ابی الحدید که ۲۰ جلد است، سوم شرح  
بحرانی که ۵ جلد است و چهارم شرح فی ظلال که ۵  
جلد می باشد.

بحث در این رابطه مفصل است، همین مقدار کافیت.  
بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَالْكَبِيرَةِ، وَالظَّاهِرَةِ  
وَالْمُسْتَوْرَةِ، فَإِنْ يُعَذَّبُ فَانْتُمْ أَظْلَمُ، وَإِنْ يَغْفُ فَهُوَ  
أَكْرَمُ... إِلَى: صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْفِيهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا، وَلَا  
تُعَجِّلْ وَقْتَهَا لِفَرَاغٍ، وَلَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاسْتِغَالٍ،  
وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ. ۳

حضرت نامه را برای اداره امور دنیا نوشته ولی بیشتر از  
آخرت و جهنم صحبت فرموده و علتش این است که  
اسلام برای اصلاح جامعه آخرت را در نظر می گیرد،  
حضرت امیر علیه السلام در کلمات قصار نهج البلاغه  
فرمودند وقتی حکماء و علماء مکاتبه می کنند این امور  
را یادآور می شوند: ﴿وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَصْلَحَ  
مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ، وَمَنْ  
أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ، وَمَنْ كَانَ لَهُ  
مِنْ نَفْسِهِ وَعَظْمٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ﴾<sup>۴</sup> بنابراین  
اگر این امور اصلاح شود هم دنیا و هم آخرت اصلاح  
می شود.

دومین مورد فرمایش حضرت امیر علیه السلام در خطبه  
۱۹۰ می باشد: ﴿تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ، وَحَافِظُوا  
عَلَيْهَا، وَاسْتَكْبَرُوا مِنْهَا، وَتَقَرَّبُوا بِهَا: فَإِنَّهَا كَانَتْ  
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا﴾<sup>۵</sup> أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ  
أَهْلِ النَّارِ حِينَ سُئِلُوا: "مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ قَالُوا:  
لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ" ۶... إلى آخر كلامه  
الشریف ۷.

چهارم شرح به عنوان امهات شروح نهج البلاغه مطرح  
می باشند؛ اول شرح خوئی که ۲۳ جلد است، دوم

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، سید رضی، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۲۶۱، نامه ۲۷.

<sup>۴</sup> نهج البلاغه، سید رضی، تنظیم مرحوم دشتی، حکمت ۸۹، ص ۳۳۰.

<sup>۵</sup> سوره نساء، آیه ۱۰۳.

<sup>۶</sup> سوره مدثر، آیه ۴۲.

<sup>۷</sup> نهج البلاغه، سید رضی، تنظیم مرحوم دشتی، خطبه ۱۹۹، ص ۲۱۲.